

بسم رب الشهدا والصديقين

برنامه جامع اعتكاف

الله



آذرماه ۱۴۰۴

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

توضیح اجمالی

برنامه‌ی «دادگاه» نخستین گام از سیر تربیتی توحید در راهپنو است. این برنامه با طراحی یک پرونده‌ی شبه‌واقعی و شبیه‌سازی فضای دادگاه، نوجوانان را وارد تجربه‌ای می‌کند که در آن باید میان روایت‌های مختلف، حقیقت را کشف کنند. منطق برنامه این است که نوجوانان در عمل بفهمند: حقیقت نسبی نیست؛ تنها یک تبیین کامل و سازگار درست است.

ورود به برنامه

نوجوانان وارد فضای دادگاه می‌شوند؛ نقش‌ها تقسیم می‌شود: دادستان، وکیل مدافع، هیئت منصفه و قاضی. پرونده‌ی سرقت فلش مموری مطرح می‌شود. این ورود برای ایجاد مسئله است: حقیقت همیشه محل بحث است و نمی‌توان بدون بررسی و معیار روشن قضاوت کرد. پیام: حقیقت نیازمند بررسی و استدلال است، نه قضاوت سریع.

دریافت و بررسی مدارک

هر گروه بسته‌ای از مدارک دریافت می‌کند: فرم ورود و خروج، گزارش دوربین، گزارش قفل، یادداشت رمز، پیام‌های چت، دفترچه تحقیق، گزارش کفش، شهادت شاهد و... بعضی مدارک روشن و قوی‌اند، بعضی مبهم و ضعیف. نوجوانان باید همه‌ی شواهد را کنار هم بگذارند، تناقض‌ها را بررسی کنند و تحلیل جمعی انجام دهند. پیام: روایت‌ها متعدّدند، اما حقیقت باید از دل شواهد کشف شود.

تحلیل گروهی و ارائه نتایج

گروه‌ها پس از بررسی مدارک، تحلیل خود را آماده می‌کنند و به‌صورت جمعی ارائه می‌دهند. هر گروه باید نشان دهد کدام فرضیه با همه‌ی مدارک سازگار است. این بخش نوجوانان را از شنونده‌ی منفعل به تحلیل‌گر فعال تبدیل می‌کند. پیام: حقیقت با معیار عقلانی و شواهد قابل کشف است.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

منطق کلی برنامه

رای نمایشی قاضی

در پایان، رای نمایشی قاضی خوانده می‌شود: «هر دو روایت معتبرند؛ حقیقت نسبی است.» این رای عمداً اشتباه طراحی شده تا زمینه‌ی نقد و گفت‌وگو فراهم شود. نوجوانان با نقد این رای درمی‌یابند که در موضوع واحد، حقیقت نمی‌تواند دوگانه باشد. پیام: حقیقت نسبی نیست؛ تنها یک تبیین کامل و سازگار درست است.

نقد رای و گفت‌وگوی جمعی

پس از شنیدن رای، گروه‌ها وارد نقد می‌شوند. مربی با پرسش‌های هدایت‌گر کمک می‌کند تا نوجوانان خودشان به این نتیجه برسند که رای قاضی غلط است و حقیقت واحد وجود دارد. پیام: شک و نسبی‌گرایی ایمان را تباه می‌کند؛ یقین ستون ایمان است.

جمع‌بندی مربی

در پایان، مربی پیام‌ها را روشن می‌کند و به زندگی روزمره وصل می‌سازد: در مدرسه، خانواده یا جامعه هم نباید بدون دلیل قضاوت کرد؛ باید با معیارهای روشن حقیقت را کشف کرد. پیام: حقیقت واحد و قابل کشف است؛ این یقین پایه‌ی ایمان و سبک زندگی دینی است.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

منطق کلی برنامه

- ورود: ایجاد فضای دادگاه و طرح پرونده → نوجوان می‌فهمد حقیقت نیازمند بررسی است.
- مدارک: بررسی شواهد متعارض → نوجوان می‌فهمد روایت‌ها متعدّدند اما حقیقت واحد است.
- تحلیل و ارائه: تجربه‌ی استدلال جمعی → نوجوان می‌فهمد حقیقت با عقل و شواهد کشف می‌شود.
- رأی قاضی و نقد: مواجهه با نسبی‌گرایی → نوجوان می‌فهمد حقیقت نسبی نیست.
- جمع‌بندی: پیوند به زندگی واقعی → نوجوان می‌فهمد یقین پایه‌ی ایمان و سبک زندگی دینی است.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

مقدمات اجرا

تعیین هدف و پیام محوری: روشن‌سازی اینکه برنامه برای آموزش «حقیقت واحد و قابل کشف» طراحی شده است.

سازماندهی گروه‌ها: تقسیم شرکت‌کنندگان به گروه‌های کوچک (۵ تا ۱۰ نفره) و تعیین سرگروه‌ها. آماده‌سازی پرونده‌ها: تهیه و تکثیر بسته‌های مدارک کامل برای هر گروه، با نظم و شماره‌گذاری مشخص. فضاسازی محیط: چیدمان گروه‌ها، تعیین جایگاه دآوری، نصب قوانین و آماده‌سازی ابزارهای نوشتاری و زمان‌سنجی.

آماده‌سازی مربیان: مرور سناریو و پیام محوری، آموزش روش هدایت غیرمستقیم و مدیریت زمان. اطلاع‌رسانی به شرکت‌کنندگان: توضیح کوتاه درباره ساختار برنامه، نقش‌ها و قوانین اصلی پیش از شروع.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

وسایل مورد نیاز

بسته مدارک پرونده برای هر گروه:
فرم ورود و خروج آزمایشگاه: ثبت نام‌ها، ساعت ورود/خروج، بازه‌های زمانی مرتبط.
یادداشت رمز در دفتر: صفحه‌ای حاوی رمز کمد، اشاره به احتمال دسترسی غیرانحصاری.
پیام‌ها/اسکرین‌چت‌ها: بخش‌های کلیدی مکالمه میان طرفین، اشاره به بکاپ و انگیزش اختلاف.
گزارش دوربین راهرو: ورود/خروج اشخاص، نبود تصویر داخل آزمایشگاه، زمان‌های کلیدی.
گزارش وضعیت قفل: تأیید سالم بودن قفل و ورود رمز صحیح.
دفترچه تحقیق مرتبط: ارجاعات به فلش، ناقص بودن اطلاعات، قرائن احتمالی.
تحلیل ردپا/گزارش کفش: تناقض کفش گل‌آلود با نبود اثر در صحنه.
اظهار شاهد مبهم: نقل قول بدون زمان دقیق؛ درج محدودیت اعتبار.
رأی مکتوب قاضی (نسخه نمایشی): رأی مبتنی بر «اعتبار دو روایت» برای تحریک نقد.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

ابزار گروهی

تخته شاسی و برگه جمع‌بندی: ساختار استاندارد برای نوشتن مدرک → نکته → نتیجه.
کارت‌های نقش: سخنگو، کارشناس شواهد، مدیر زمان، ثبت‌کننده، ناظر سازگاری.
فرم امتیازدهی ارائه‌ها: معیارهای وضوح، استناد، سازگاری، کار تیمی.
چک‌لیست مشارکت: ثبت حضور فعال، تقسیم نقش، رعایت قواعد.
زمان‌سنج/تایمر قابل‌مشاهده: مدیریت عمومی زمان تحلیل و ارائه.

فضاسازی و نمایش

وایت‌برد/بدر نکات کلیدی: نمایش قوانین و مسیر تحلیل استاندارد.
میز داوری/نمایش رأی: محل اجرای بخش رأی و نقد جمعی.
تابلو قوانین: اتکا به مدرک، احترام نوبت، منع جدل شخصی، زمان‌بندی

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

توضیح تفصیلی

داستان

دو دانش‌آموز ممتاز، مهدی و پارسا، که در یک پروژه تحقیقاتی مشترک با مدرسه کار می‌کردند، به شدت با هم دچار اختلاف شده‌اند.

در روز حادثه، فلش مموری حاوی داده‌های پروژه از داخل کمد شخصی مهدی در آزمایشگاه ناپدید می‌شود. در کمد قفل بوده ولی قفل آسیبی ندیده. پارسا تنها کسی است که رمز کمد را بلد بوده، چون قبلاً با هم روی پروژه کار می‌کردند. مهدی ادعا می‌کند پارسا سرقت کرده تا پروژه را خراب کند. پارسا می‌گوید اصلاً به کمد دست نزده و خودش قربانی تهمت شده است.

رای دادگاه

دادگاه با در نظر گرفتن اینکه هر شخصی بر اساس تجربه و ادراک خود، حقیقتی را می‌بیند، و چون هر دو دانش‌آموز باور دارند که حرف‌شان درست است، هر دو روایت برای ما معتبر تلقی می‌شود. پس ما نمی‌توانیم یکی را بر دیگری ترجیح دهیم. بنابراین، پرونده بسته می‌شود و هیچ‌کدام مجازات نمی‌شوند. چون حقیقت امری نسبی است و همه برداشت‌ها به یک اندازه قابل احترام‌اند.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

مدارک در اختیار دانش آموزان

۱. فرم ورود و خروج آزمایشگاه

روی این فرم ساعت ورود و خروج افراد نوشته شده.
• پارسا یک بار وارد شده (حدود ۱۱:۱۰ تا ۱۱:۲۰).
• مهدی دو بار وارد شده (یک بار حدود ۱۰:۴۵ تا ۱۱:۰۰ و بار دوم ۱۱:۳۰ تا ۱۱:۴۵).
نکته مهم: ورود دوم مهدی درست همان زمانی است که او می‌گوید سرقت کشف شده. این موضوع شک‌برانگیز است.

۲. گزارش دوربین راهرو

دوربین فقط راهرو را نشان می‌دهد.
• پارسا یک بار وارد و سریع خارج شده.
• مهدی دوباره وارد شده و مدتی مانده.
نکته مهم: تصویر داخل آزمایشگاه وجود ندارد، پس باید مدارک دیگر را هم بررسی کنیم.

۳. گزارش قفل کمد

قفل سالم بوده و با رمز درست باز شده. هیچ نشانه‌ای از شکستن یا خراب شدن قفل نیست.
نکته مهم: کسی که فلش را برداشته، رمز را می‌دانسته.

۴. یادداشت رمز در دفتر مهدی

روی یکی از صفحات دفتر مهدی رمز کمد نوشته شده:
«۲۸۱۳ (یادم نره!)».

نکته مهم: رمز در دسترس بوده و خود مهدی قطعاً آن را می‌دانسته.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

مدارک در اختیار دانش آموزان

۵. پیام‌های چت بین مهدی و پارسا

در پیام‌ها، پارسا می‌گوید: «تو که بکاپ گرفتی». مهدی عصبانی است و پارسا را متهم می‌کند. نکته مهم: وجود بکاپ یعنی حتی اگر فلش گم شده باشد، اطلاعات از بین نرفته. این نشان می‌دهد انگیزه‌ی سرقت واقعی کم است و بیشتر دعوا بر سر اتهام است.

۶. دفترچه تحقیق مهدی

در دفترچه، یادداشت‌هایی درباره فایل‌های فلش وجود دارد. بعضی صفحات ناقص است و کلمات « Sync و » « Copy دیده می‌شود.

نکته مهم: مهدی خودش به داده‌ها دسترسی داشته و احتمالاً نسخه‌ای از آن‌ها را ذخیره کرده است.

۷. گزارش کفش گل‌آلود پارسا

پارسا از زمین فوتبال آمده و کفش‌هایش گل‌آلود بوده. اما در آزمایشگاه هیچ اثر گلی پیدا نشده. نکته مهم: اگر پارسا وارد آزمایشگاه و نزدیک کمد شده بود، باید اثر گل دیده می‌شد. نبود اثر گل نشان می‌دهد او وارد کمد نشده.

۸. شهادت یک دانش‌آموز دیگر

او می‌گوید: «فکر کنم پارسا را نزدیک آزمایشگاه دیدم». اما ساعت دقیق یادش نیست. (به صورت صوتی)

نکته مهم: این شهادت مبهم است و ارزش زیادی ندارد.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

مدارک در اختیار دانش آموزان

رأی قاضی (نمایشی)

قاضی می‌گوید: «هر دو روایت معتبرند؛ حقیقت نسبی است».

نکته مهم: این رأی عمداً اشتباه است تا نوجوانان آن را نقد کنند و بفهمند در موضوع واحد، حقیقت واحد وجود دارد.

تحلیل درست و حل چالش

وقتی همه مدارک کنار هم گذاشته می‌شود، تنها یک نتیجه منطقی وجود دارد: مهدی خودش فلش را برداشته و بعد سناریوی سرقت را ساخته تا پارسا را متهم کند.

چطور به این نتیجه می‌رسیم؟

- ورود دوم مهدی دقیقاً در زمان کشف سرقت بوده.
- قفل با رمز درست باز شده و رمز در دفتر مهدی نوشته شده بود.
- کفش گل‌آلود پارسا هیچ اثری در آزمایشگاه نگذاشته، پس او وارد کمد نشده.
- پیام‌ها نشان می‌دهد مهدی بکاپ داشته و انگیزه‌ی سرقت واقعی کم بوده.
- شهادت مبهم ارزش ندارد.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

جمع‌بندی

- فرضیه سرقت توسط پارسا با مدارک جور در نمی‌آید.
- فرضیه دخالت مهدی همه مدارک را توضیح می‌دهد و ساده‌تر است.
- پس حقیقت واحد این است که مهدی فلش را برداشته و داستانی ساخته تا پارسا را مقصر نشان دهد.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

محتوای اعتقادی (برای اطلاعات راهبر)

حقیقت واحد و قابل کشف وجود دارد. این پیام، نخستین حلقه از زنجیره‌ی توحید تربیتی است و به‌عنوان پایه‌ی همه‌ی مراحل بعدی عمل می‌کند. نوجوان باید بیاموزد که در موضوع واحد، حقیقت نمی‌تواند متکثر و نسبی باشد؛ بلکه با معیارهای روشن و عقلانی قابل کشف است.

دستگاه رسانه‌ای غرب در سده‌های اخیر، بر اساس مبانی معرفت‌شناسی خود، به ترویج شک و نسبی‌گرایی پرداخته است. این جریان با تولید ده‌ها فیلم و سریال و انیمیشن (مانند آثار کریستوفر نولان، سریال Dark، From و ...) این اندیشه را القا می‌کند که هیچ ملاک ثابتی برای تشخیص حق از باطل وجود ندارد. خروجی چنین فرهنگی در جامعه ما تبدیل به گزاره‌هایی شده است مانند:

«هر عقیده‌ای محترم است»

«نه‌ی از منکر نادرست است»

«جهان چرخه‌ای باطل و بی‌پایان است»

«زندگی مبتنی بر رنج بی‌پایان است»

این گزاره‌ها ذهن نوجوان را دچار سردرگمی می‌کنند و او را نسبت به حقیقت اصلی، یعنی خداوند متعال، در شک دائمی نگه می‌دارند. چنین شک معرفت‌شناسانه‌ای مانع گرایش قلبی و در نتیجه مانع رفتار دینی می‌شود.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

محتوای اعتقادی (برای اطلاعات راهبر)

برنامه در این مرحله می‌خواهد مانع ذهنی و گرایشی شک را از وجود نوجوان پاک کند. این کار با تبیین معرفت‌شناسی اسلامی و ارائه‌ی ملاک‌های ثابت برای شناخت حقیقت انجام می‌شود. نوجوان باید بیاموزد که: حقیقت واحد وجود دارد. معیارهای عقلانی و شرعی برای کشف حقیقت در دسترس‌اند. شک و نسبی‌گرایی، ایمان را تباه می‌کنند و سبک زندگی دینی را بی‌پایه می‌سازند.

برنامه‌ی اول: دادگاه « قفل سوم »

مستندات

برای تقویت این پیام به موارد زیر استناد می‌شود:
قرآن کریم شک و تردید را عامل اصلی عدم ایمان اقوام
گذشته معرفی می‌کند:

«إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ» (ابراهیم ۹)
«فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُمْ بِهِ» (غافر ۳۴)

امام علی علیه‌السلام: «الیقین عماد الایمان»؛ یقین ستون
ایمان است و شک دین را تباه می‌کند.
روایات متعدد تأکید دارند که شک، ایمان را فاسد می‌کند
همان‌گونه که نمک عسل را تباه می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب: یقین بهترین چیزی است که خدا در
دل انسان قرار می‌دهد؛ حرکت با یقین، مستقیم و پایدار
است، اما حرکت با شک، مبهم و بی‌ثمر.
علامه طباطبایی: اسلام یعنی خضوع قلبی و عملی در
برابر خدا؛ این خضوع مستلزم یقین است و بدون آن، دین
متزلزل می‌شود.

آیت‌الله مصباح یزدی: ایمان بدون حفاظت از ظرف یقین،
دوام ندارد. شک ایمان را تباه می‌کند و باید از خداوند ثبات
یقین را طلب کرد.